

## تحلیلی ژئوپلیتیکی بر تهدیدات پیوسته کشورهای جنوب خلیج فارس با محوریت عربستان سعودی علیه ایران تا ۲۰۲۵ میلادی (۱۴۰۴)

کیومرث یزدان پناه درو<sup>۱</sup>

دانشیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

بهادر زارعی

استادیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

علی کرد

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۴

### چکیده

با توجه به رقابت‌های منطقه‌ای عربستان با جمهوری اسلامی ایران، تحولات یاد شده موجبات واگرایی و بروز تنش‌هایی در روابط دو کشور شده است با توجه به اینکه ظاهراً روند اوضاع در منطقه در راستای مواضع و منافع عربستان قرار ندارد، بنابر این جمهوری اسلامی ایران می‌باید از هر اقدامی که به تشدید تنش در روابط و ارایه تصویر نامطلوب از ایران نزد عربستان سعودی منجر شود اجتناب ورزد. دو کشور ایران و عربستان سعودی بنا بر موقعیت ژئوپلیتیکی خود در منطقه خلیج فارس از مهمترین بازیگران منطقه‌ای در حوزه جنوب غرب آسیا به شمار می‌آیند. این دو کشور سالیان متمادی است که به نوعی رقیب منطقه‌ای یکدیگر محسوب شده و این رقابت در عصر حاضر به بالاترین سطح خود رسیده است. از سویی دیگر دو کشور با بهره‌مندی از موقعیت استراتژیک در منطقه دارای اهمیت استراتژیک و ژئواستراتژیک می‌باشند. این مقاله سعی بر این دارد با تمرکز بر رویکرد فوق و در یک جامع‌نگری پژوهشی در سطح راهبردی، این موضوع را بررسی و در نهایت با توجه به ارتقاء کشمکش ژئوپلیتیکی دو کشور به سطح تهدید مستقیم و رویارویی‌های احتمالی در آینده، کیفیت و سطح تهدیدات همسایه جنوبی علیه امنیت ملی ایران را در بازه زمانی پنج ساله مورد ارزیابی قرار دهد. در پایان راهکارهای راهبردی برای موضوع مورد بحث ارائه شده است.

**کلمات کلیدی:** ایران، عربستان سعودی، خلیج فارس، ژئوپلیتیک منطقه‌ای، رقابت‌های دو سطحی، تهدیدات جامع.

## مقدمه

رقابت‌های ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک ایران و عربستان سعودی در مناطق حساس و خاکستری غرب و جنوب‌غرب آسیا از جمله عراق، لبنان، منطقه خلیج فارس و در قبال تحولات سالیان اخیر بحرین، یمن و نیز مواجهه غیر مستقیم آنها در سوریه، تجلی حاکم شدن الگوی تعارضی در این منطقه حساس ژئوپلیتیکی است. از سوی دیگر در سطح ساختاری نظام بین‌الملل، نفی نقش ثبات بخش ایران در نظم منطقه و تشدید پروژه ایران هراسی به ویژه در موضوع برنامه هسته ای صلح آمیز ایران و در سطح منطقه ای پر رنگ شدن عنصر شیعی در سیاست‌های منطقه ای در پرتو تحولات عراق و سپس لبنان به حساسیت اعراب و سعودیها در قبال ایران انجامیده است. تجلی تعارض‌های میان ایران در مقابل عربستان و غرب متأثر از سه عامل هویتی، ژئوپلیتیکی و ساختاری بوده است که منجر به وضعیت تنش پایدار بین دو کشور طی سالیان اخیر شده است (صادقی و همکاران، ۱۳۹۴).

روابط دو کشور مهم منطقه غرب آسیا و منطقه حساس، خلیج فارس یعنی ایران و عربستان سعودی همواره میان الگوی همزیستی و تعارض در نوسان بوده است. بعد از انقلاب اسلامی ایران الگوی تعارضی بر روابط این دو کشور غالب بوده که به گفته بسیاری از پژوهشگران می‌توان از آن با عنوان جنگ سرد منطقه ای نام برد. دلیل اصلی این موضوع رقابت منطقه ای، ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی این دو کشور بوده است. در واقع با حاکم بودن بازی با حاصل جمع صفر افزایش قدرت هر یک از این دو بازیگر منطقه ای به عنوان تهدیدی علیه دیگری تلقی می‌شود. در حال حاضر با توجه به تحولات منطقه ای از جمله بحران سوریه، عراق و یمن و توافق هسته ای سال ۱۳۹۴ ایران و کشورهای غربی، قدرت و نفوذ منطقه ای ایران برای مدتی خاص افزایش یافت و این موضوع از نظر عربستان تهدیدی علیه کشورش محسوب می‌شود. همین امر سبب افزایش تنش‌ها و اختلافات در روابط این دو کشور شده که با توجه به ادراک دو کشور از یکدیگر می‌تواند همچنان افزایش یافته و منجر به تنش و درگیری جدی سخت و نیمه سخت گردد. لازمه رویارویی و مقابله با چنین تهدیداتی، شناخت و برآورد تهدید، پیش بینی و خنثی سازی تهدید است (جفری، ۲۰۱۸).

دلیل اصلی انجام این پژوهش در قالب مقاله پژوهشی این است که از طریق شناخت قابلیت‌ها و اقدامات بالقوه و بالفعل عربستان سعودی که اهداف و منافع جمهوری اسلامی ایران و علل وجودی انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند، مانع از آسیب‌پذیری، خسارات و یا زیان‌ها احتمالی شد. بنابراین دغدغه اصلی پژوهش حاضر؛ وجود فعالیت‌ها و اقدامات آسیب زا از سوی عربستان سعودی علیه منافع کشور است که لازمه مقابله و برخورد با چنین اقداماتی، شناسایی تهدیدات و پیش بینی سناریوهای احتمالی در سطوح مختلف (سخت، نیمه سخت و نرم) است. از سوی دیگر به اعتقاد بسیاری از کارشناسان مسائل امنیتی، نظامی، جغرافیایی سیاسی و روابط بین‌الملل، معیار نهایی امنیت ملی، توان‌مندی‌های چند بعدی بویژه توانمندی نظامی است؛ زیرا کشورها در محیطی بسر می‌برند که امنیت آنها همواره مورد تهدیدهای داخلی و خارجی قرار دارد؛ از این‌رو موثر بودن قدرت نظامی و ساختار آن، مقیاس نهایی ارزیابی قدرت کشورها به شمار رفته و برای برتری (هژمونی) آنها بسیار مهم است. لذا یکی از مهمترین مسائلی که

در حوزه قدرت و توانمندی نظامی برای موضوع مقاله فوق مطرح است، بررسی و شناخت عناصر و شاخص‌های موثر بر ساختار و ایجاد قدرت نظامی و امکان محاسبه آن است. مشکلات و مسائل ساختار و ایجاد توانمندی نظامی از بسیاری جهات شبیه مشکلاتی است که در محاسبه ساختار قدرت ملی نیز وجود دارد. این ماهیت ساختاری که بر فضای ژئوپلیتیک خلیج فارس سایه افکنده، نشان از پایداری منشاء تنش میان کشورهای بزرگ و مدعی منطقه از جمله ایران و عربستان دارد. زیرا منطقه خلیج فارس همواره بعنوان یکی از مناطق مهم استراتژیک و ژئوپلیتیک در نظام سیاسی و اقتصادی بین الملل از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده است به گونه ای که در طول قرنهای اخیر پیوسته مورد توجه قدرتهای بزرگ جهانی بوده است (برانک، ۲۰۰۹)

از این رو این پژوهش در پی آن است تا از طریق واکاوی بسترها، عوامل و مولفه‌های تهدید زا، برآورد کلانی از تهدیدات (راهبردی) کشور عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران را در یک بازه زمانی پنج ساله، احصا نموده و تهدیدات و سناریوهای محتمل را پیش بینی و در جهت دفع و پیشگیری از آن، راهکارهایی در سطح راهبردی را در حوزه‌های مختلف ارائه و پیشنهاد دهد. از سوی دیگر تحولات منطقه ای و بین المللی حاکی از افزایش تلاش عربستان برای تهدید جلوه دادن جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه و جهان را دارد و در این راه، از تمام ظرفیت‌های خود در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی بهره می برد. از این جهت ضرورت داشت، تهدیدات متصور و احتمالی از جانب عربستان سعودی بررسی و به برآورد جامعی از این تهدیدات جهت پیش بینی رفتارهای این کشور دست پیدا کنیم. از این رو این پژوهش با استفاده از روش آمیخته (کمی و کیفی) به دنبال پاسخ به این پرسش است که تهدیدات متصور از جانب عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران در چشم انداز پنج ساله چیست؟

### مبانی نظری

تهدید مفهومی انتزاعی، تصویری و لمسی است که در هم تنیدگی عمیقی با مفهوم امنیت دارد. هر جا که موضوع امنیت مورد بررسی قرار گیرد، حتما از تهدید نیز سخن به میان می آید. در عین حال نمی توان از تهدید سخن گفت ولی امنیت و تأثیر آن را نادیده گرفت. صاحب نظران در مورد تعریف تهدید اختلاف نظر فراوان دارند و متناسب با دیدگاه خود، تعریفی خاص ارائه نموده‌اند؛ لذا تاکنون تعریف دقیق و روشنی از تهدید توسط اندیشمندان امنیتی ارائه نگردیده است (افتخاری، ۱۳۸۱).

برای تعریف تهدید می بایست به عوامل گوناگون توجه و بر آن اساس، تهدیدها را تفکیک نمود. این عوامل عبارتند از:

- ۱- منافع؛
- ۲- توانمندی موضوع با واحد مورد تهدید؛
- ۳- شرایط محیطی؛
- ۴- قدرت و توانائی تهدید؛

۵- زمان (ممکن است موضوعی در یک زمان تهدید بوده و در زمان دیگر تهدید نباشد)؛

۶- تصور از اقدامات با پدیده‌ها (می‌توان پدیده‌ها را تهدید را با تهدید زدا درک نمود) (عبدا.. خانی، ۱۳۸۲).

### تهدیدات و ابعاد آن

در زمینه تهدیدات رویکردها و دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که در ادامه به دو رویکرد اصلی در این زمینه می‌پردازیم:

#### الف: رویکرد سنتی به تهدیدات:

رویکرد سنتی یا کلاسیک که بدان رویکرد سخت افزاری نیز می‌گویند، برخاسته از مکتب واقع‌گرایی سیاسی است که سیاست را به مثابه جنگ قدرت می‌پندارد و از نظر تاریخی با الهام از نظام دولت - ملت، به نقش مسلط دولت ملی اعتقاد دارد و آن را عامل اصلی تأمین امنیت می‌شمارد. به طور اجمالی، شناسه‌های این رویکرد به شرح زیر است: غرب محوری، برون‌پنداری خاستگاه تهدیدات و نظامی‌گرایی (عصاریان، ۱۳۸۵).

جدول ۱: انواع تهدیدات

گونه‌های مختلف تهدید	شاخص‌های طبقه‌بندی تهدیدات
۱. تهدیدات خارجی	تهدید براساس منبع و محل وقوع تهدید
۲. تهدیدات داخلی	
۱. تهدیدات سیاسی	تهدید براساس بعد و موضوع تهدید
۲. تهدیدات فرهنگی	
۳. تهدیدات نظامی	
۴. تهدیدات اقتصادی	
۵. تهدیدات زیست‌محیطی	
۶. تهدیدات فرآورانه	
۱. منازعات کم‌شدت	تهدید براساس شدت
۲. منازعات کم‌شدت	
۳. منازعات کم‌عیار	
۱. جنگ گرم	تهدید از نظر کاربرد سلاح
۲. جنگ سرد	
۱. تهدید آشکار	تهدید از حیث علنی یا مخفی بودن منازعه
۲. تهدید نیمه پنهان	
۳. تهدید پنهان	
۱. تهدیدات فردی	تهدید براساس دامنه، جغرافیا و سطح
۲. تهدیدات گروهی	
۳. تهدیدات محلی	
۴. تهدیدات ملی	
۵. تهدید منطقه‌ای	
۶. تهدید بین‌المللی	
۷. تهدید جهانی	
۱. تهدید سخت	تهدید براساس روش اعمال و پیامد
۲. تهدید نیمه‌سخت	
۳. تهدید نرم	
۱. تهدید برخورد سخت	تهدید براساس تقارن
۲. تهدید برخورد نرم	
۱. تهدیدات بسیط	تهدید براساس میزان پیچیدگی
۲. تهدیدات مرکب	
۱. تهدیدات عینی و ذهنی	تهدید براساس جنس
۲. تهدیدات امنیتی و عمومی	
۳. تهدیدات مادی و معنوی	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

## نظریه‌های تهدید

بطور معمول همانند بسیاری از نظریه‌های علمی اثبات شده، مبانی فکری، اندیشه سیاسی و محیط امنیتی، بر تعریف تهدید، قدرت و امنیت، تأثیر تعیین کننده ای دارد. ممکن است پدیده و یا مسئله ای برای جامعه ای، پدیده ای عادی و یا مسئله‌ای اجتماعی باشد، در حالی که همان پدیده و وضعیت برای جامعه دیگر، مسئله ای غیرعادی، خطر یا بحران امنیتی به شمار آید. بر مبنای این دیدگاه کلی نظریه‌های تهدید نسبت به شرایط جغرافیایی کشورها از ناحیه ای به ناحیه دیگر ممکن است تفاوت داشته باشد. لذا تهدید و به شیوه بکارگیری آن در حوزه امنیت ملی، تابع گفتمان‌های مختلف امنیتی است. بنابراین، در مکاتب و رهیافت‌های مختلف امنیتی، تهدید، نقش و جایگاه متفاوتی دارد. برای مثال، در نظریه‌های واقع گرایی به ویژه نظریه «توازن تهدید» و «مکتب کپنهاک»، تهدید نقش محوری در امنیت ملی دارد؛ در حالی که در نظریه‌هایی مانند سازه انگاری و نظریه قدرت نرم، تهدید در حاشیه قرار داشته و مسایل دیگر اهمیت می‌یابد. بطور کلی برآیند کلی از نظریه‌های تهدید است که هدف از هر نوع تهدید، تأثیرگذاری بر اندیشه، عواطف و اراده و سرانجام به تسلیم کشاندن حریف است. بنابراین، نقطه مشترک همه تهدیدات، تحمیل اراده به نیروی مقابل است. و در نهایت تفاوت اصلی در کارکرد تهدیدات، در به کارگیری روش‌ها و ابزارهاست.

**نظریه وابستگی متقابل (رابرت کوهن، جوزف نای) :** کوهن و نای در دهه ۱۹۷۰ کوشیدند با طرح نگرش‌هایی نو نشان دهند که قالب فکری واقع گرایی تنها قالبی نیست که بتوان روابط بین الملل را بر اساس آن توضیح داد. آنان به چالش با رئالیسم و مفاهیم بنیادین آن پرداختند و کوشیدند تا با طرح مفهوم و چهارچوب نظری وابستگی متقابل، شیوه متفاوتی را برای فهم روابط بین الملل مطرح سازند (مرادپان و همکاران، ۱۳۹۰). این نظریه در راستای هم تکمیلی و به هم پیوستگی جغرافیایی برای خنثی کردن تهدیدات سازمان یافته و تحکیم مبانی امنیت جمعی قابل توجه است.

**نظریه جهان بدون مرز و پایان دولت ملت‌ها (کنچی اوهمای) :** اوهمای از نخستین متفکرانی بود که زوال دولت-ملت‌ها و شکل گیری تدریجی جهان بدون مرز را در ابتدای دهه ۱۹۹۰ مطرح ساخت. به نظر اوهمای، دیگر با منطق سنتی اقتصادی که واحد مورد بحث آن اقتصاد یک جامعه است و در درون مرزهای ملی یک کشور تعریف می شود، درک جهان جدید ممکن نیست. در عصر نو تمامی قواعد اقتصادی، از تولید، عرضه و تقاضا گرفته تا سیاست‌گذاریها و جهت گیریهای کلان شرکتها در بعد جهانی و در عرصه جهانی شکل می گیرد (صادقی و همکاران، ۱۳۹۴).

### محدوده مورد مطالعه

کشور عربستان در سال‌های اخیر به دنبال نقش آفرینی بیشتر در منطقه غرب آسیاست که در این مسیر از تمامی ظرفیت‌های موجود جهت رسیدن به هدف خود استفاده می نماید و همین امر و دیگر موضوعات ریشه ای در برخی موارد سبب بروز تنش‌های جدی با جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از قدرت‌های منطقه ای در غرب آسیا شده است. عربستان سعودی در سال‌های اخیر به بازتعریف سیاست خارجی خود پرداخته و جمهوری اسلامی ایران را به عنوان تهدید اصلی خود مطرح می کند. این نوع نگاه، باعث متمرکز شدن رهبری عربستان سعودی بر مسأله مقابله با ایران شده و به تلاش و تکاپوی نخبگان سعودی برای متوجه نمودن طیف گسترده ای از تهدیدها علیه ایران انجامیده است. عربستان سعودی، به خصوص از زمان

پادشاهی ملک سلمان بدین سو، رویکرد جدید و متفاوتی را در سیاست خارجی خود در پیش گرفته است. این کشور بر خلاف سیاست خارجی محافظه کارانه ی گذشته، به اتخاذ نوعی سیاست خارجی تهاجمی در دوره اخیر پرداخته و به دنبال تغییر وضعیت و موازنه قدرت منطقه ای است. در این چارچوب، مقابله با نقش و نفوذ منطقه ای جمهوری اسلامی ایران به عنوان محور اصلی سیاست خارجی عربستان سعودی مطرح شده و ریاض در تلاش بوده تا سایر ابعاد سیاست خارجی خود را حول این هدف کانونی سازماندهی کند (طباطبائی، ۱۳۹۴).

بر این اساس، ذیل هدف کلان تغییر وضع موجود منطقه ای می توان به اهداف راهبردی مختلفی اشاره کرد که رهبران سعودی درصدد تحقق و پیشبرد آن هستند. این اهداف را می توان در مواردی خلاصه کرد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. از منظر رهبران سعودی، نفوذ و نقش منطقه ای ایران به عنوان مهم ترین ویژگی کنونی منطقه است که باید دچار تغییر و دگرگونی اساسی شود. از نظر سعودی‌ها ایران با حضور گسترده در حوزه‌های مختلف منطقه به اخلال در امنیت منطقه پرداخته و منافع منطقه ای و امنیت ملی عربستان را مورد تهدید قرار داده است.

۲. یکی دیگر از اهداف عربستان سعودی در منطقه را می توان بازسازی روابط و همکاری‌های راهبردی با امریکا و گسترش تعاملات با رژیم صهیونیستی در جهت تحقق منافع منطقه ای دانست. اهمیت این موضوع وقتی افزایش می یابد که عربستان بن سلمان، امریکای ترامپ و اسرائیل نتانیاهو، هر سه بر مقابله با ایران در منطقه به عنوان اولویت اول و منفعتی مشترک تأکید دارند.

۳. یکی دیگر از ابعاد و اهداف سیاست منطقه ای نوین عربستان را می توان تلاش برای مقابله با اخوان المسلمین در منطقه خواند. این هدف که در میان عربستان و کشورهای دیگری مانند امارات عربی متحده و مصر مشترک است، ناشی از احساس تهدید سعودی‌ها از اخوان و گسترش آن در منطقه است.

۴. همچنین در سطحی دیگر، تلاش برای ایجاد ائتلاف گسترده منطقه ای و کسب رهبری جهان را می توان از اهداف ایده آل و آرمانی عربستان در عرصه جهان عرب و منطقه تلقی کرد. به عبارتی، عربستان به رغم در اولویت قرار دادن اهداف فوق در سیاست خارجی خود هدف غایی در سیاست منطقی‌های را دستیابی به موقعیت برتر و هژمونیک می داند. در این خصوص نیز سعودی‌ها با توجه به ناتوانی و چالش‌های بزرگ در شکل دهی به ائتلاف عربی ضد دشمن تاریخی اعراب یعنی رژیم صهیونیستی، بار دیگر به مطرح ساختن و بزرگ نمایی تهدیدهای ایران برای منطقه مبادرت می کنند.

جدول شماره ۲: تهدیدات بالقوه و بالفعل عربستان

ردیف	نوع تهدید	شاخص
	ارضی و سرزمینی	تلاش برای تسلط بر تنگه باب المندب و حضور فعال در دروازه خلیج عدن و شمال آفریقا ایجاد کریدور دریایی با رژیم صهیونیستی با توجه به مرز دریایی مشترک عربستان سعودی، مصر، اردن و فلسطین اشغالی واگذاری اراضی شبه جزیره سینا به رژیم صهیونیستی در راستای «قرارداد قرن» و گسترش مساحت رژیم صهیونیستی
۲	اقتصادی	کاهش قیمت نفت برای فشردن گلوئی اقتصاد ایران؛ نفوذ در بازارهای انرژی برای کاهش سرمایه‌گذاری خارجی در بخش نفت و گاز ایران کمک به تحریم‌های نفتی علیه ایران با جبران حلاله و کمبود نفت نبرد ژئواکونومیک با رویکردی رقابتی بهره‌گیری از سلاح نفت
۳	سیاسی و حقوقی	عادی سازی روابط با اسرائیل و ائتلاف سازی با این رژیم و امریکا برای مقابله با ایران جذب سمن‌های (سازمان‌های مردم نهاد) جمهوری اسلامی ایران تبدیل شدن عربستان به متحد استراتژیک امریکا اجماع سازی منطقه ای و بین المللی علیه ایران و محور مقاومت ایجاد توازن برتر نسبت به ایران در منطقه ایجاد همگرایی قوی غربی- غربی علیه ج. ا. ایران

## یافته‌های پژوهش

روابط عربستان و ایران هم اکنون در حوزه‌های مختلف نظامی، سیاسی و اقتصادی با چالش‌هایی اساسی و حتی بحرانی روبرو است که در زیر اشاره ای گذرا به برخی از این چالش‌های بحرانی داریم:

۱. چالش نظامی: واضح است که به رغم وخامت روابط ایران و عربستان، در ظاهر این دو کشور رویارویی نظامی مستقیمی با هم نداشته و ندارند اما به صورت غیر مستقیم این دو در سوریه و یمن و عراق مشغول جنگ نیابتی هستند، به خصوص در سوریه که ایران نیروهای مستشاری اعزام کرده و در مقابل نیروهای که توسط عربستان تجهیز و پشتیبانی می‌شوند به مقابله برخاسته است. در حقیقت جنگ سوریه، ادامه یا توقف آن به یک عنصر کلیدی در روابط دو کشور تبدیل شده است. از طرفی عربستان خواهان کنار گذاشتن بشار اسد از قدرت است و این موضوع را به عنوان مهمترین عنصر پایان درگیری‌ها در سوریه اعلام کرده است. از طرف دیگر ایران بر حق تعیین سرنوشت مردم سوریه تاکید نموده و برکناری بشار اسد را از طریق نظامی و تحمیلی، خط قرمز خود بر شمرده است. لذا دستیابی به راه حلی متعادل که هر دو طرف را راضی نگه دارد تبدیل به معضلی شده است و حل مسالمت آمیز آن می‌تواند گشایشی در روابط دو کشور که در حال حاضر درگیر جنگ نیابتی هستند پدید آورد.

۲. چالش سیاسی: در بعد سیاسی دو کشور طی یکسال گذشته با چالش‌های مختلفی از تعرض به دو جوان ایرانی در فرودگاه گرفته تا فاجعه منا و پس از آن قتل شیخ نمر و به دنبال آن حمله به سفارت و کنسول گری این کشور در ایران و در نهایت قطع روابط از جانب عربستان روبرو بوده‌اند و به رغم اینکه ایران بارها آمادگی خود را برای حل مشکلات فیما بین اعلام نموده اما طرف سعودی همچنان بر طبل واگرایی و سیاست تهاجمی خود می‌کوبد.

۳. چالش اقتصادی: در بعد اقتصادی نیز شاهد جنگ نفت بین دو کشور هستیم و همکاری این دو کشور در اوپک بیش از هر زمان دیگر تضعیف شده و باعث گردیده اوپک کارایی خود را در صحنه بین المللی تا حدود زیادی از دست بدهد. ضمن اینکه عربستانی‌ها برای ضربه به اقتصاد ایران با افزایش تولید نفت خود، باعث شده‌اند قیمت این ماده گرانبها از بشکه ای ۱۰۰ دلار به حدود ۳۰ دلار کاهش بیابد. زیرا آنها از این طریق می‌خواستند با تحت فشار قرار دادن اقتصاد ایران و روسیه آنها را وادار به همراهی با سیاست‌های منطقه‌ای خود نمایند.

۴. چالش هویتی: چالش‌های هویتی ایران متأثر از ساختار عمیق ایدئولوژیک میان این دو بازیگر بزرگ منطقه خلیج فارس است. دو کشور ایران و عربستان سعودی با توجه به مختصات ژئوپلیتیک و ویژگی‌های خاص جغرافیایی خود، دو کشور مهم و تعیین کننده در منطقه به شمار می‌آیند. این دو کشور، تقریباً از دهه ۱۹۵۰ به این سو، یکدیگر را به عنوان یک رقیب در نظر گرفته‌اند. از سویی تنش و ناسازواری میان این دو کشور، پس از پهلوی دوم شکل جدی تری گرفت و به دلیل متقارن بودن حوزه‌های نفوذ این دو کشور در منطقه، ایران و عربستان سطح پیوسته ای از تنش و تقابل را میان خود تجربه کرده‌اند. رقابت ایران و عربستان، زمینه ی گسترده ای را دربرمی گیرد. این زمینه ی رقابت در کنار شماری از عوامل مادی و معنوی سبب بروز تنش و تیرگی در روابط تهران - ریاض شده است. ایران، به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در پی نفوذ در میان کشورهای مسلمان منطقه بوده

است و به دلیل خاستگاه ایدئولوژیک شیعی خود با ایدئولوژی وهابیت عربستان ناهمسازی عمیق دارد. از این گذشته، پیوستگی‌های ژئوپلیتیک و رقابت در منطقه بر پایه کسب قدرت و هژمونی یکسویه نیز بر رویارویی این دو کشور افزوده است.

### ارزیابی کمی اقدامات نظامی - امنیتی

ارزیابی کمی اقدامات نظامی - امنیتی متصور از جانب عربستان سعودی، اولویت بندی تهدیدات به شرح جدول زیر در آزمون فرضیه‌ها احصا می‌شود:

جدول شماره ۳: اولویت بندی تهدیدات عربستان سعودی بعد از تحلیل کمی

اولویت بندی	عنوان تهدید	درصد
۱.	بکارگیری عناصر ضد انقلاب و معاند علیه نظام در زمان‌های مختلف	۱۰۰٪
۲.	انجام عملیات‌های تروریستی و خرابکاری در کشور با پشتیبانی وسیع از تروریستها	۱۰۰٪
۳.	واگذاری سرزمین خود به دشمنان فرامنطقه ای ایران و ایجاد زمینه‌های جغرافیایی تهدید	۹۳٪
۴.	بحران آفرینی مستمر در محور مقاومت	۹۰٪
۵.	ائتلاف سازی نظامی علیه کشور ایران و تشدید رفتار منازعه برانگیز	۹۰٪
۶.	بحران آفرینی امنیتی در نوار مرزی و عمق کشور	۹۰٪
۷.	ایجاد برتری در حوزه موازنه تسلیحاتی	۹۰٪
۸.	مقاعد سازی نیروهای فرامنطقه ی برای تهاجم نظامی	۸۳٪
۹.	و اگذاری معبر و گذرگاه برای تهاجم دشمنان	۸۰٪
۱۰.	جنگ نیابتی علیه کشور و انقلاب	۷۳٪
۱۱.	جنگ اطلاعاتی علیه کشور	۶۷٪
۱۲.	تجاوز و نقض حریم مرزهای کشور	۶۳٪
۱۳.	تلقین به توانایی نظامی برای عملیات ضربتی و محدود از طریق خریدهای گسترده تسلیحات نظامی	۶۰٪
۱۴.	قطع خطوط مواصلاتی دریایی کشور	۵۳٪
۱۵.	تعمیق و گسترش نفوذ و حضور عناصر و جریان‌های همسو با دشمن در ایران	۵۳٪
۱۶.	اقدامات جنگ الکترونیک	۴۷٪
۱۷.	ترور نخبگان، دانشمندان و افراد تأثیر گذار	۴۰٪
۱۸.	توانایی بکارگیری سلاح‌های نوظهور (لیزری، الکترو مغناطیسی و..)	۳۳٪
۱۹.	توانایی از کارانداختن شبکه‌های فرماندهی و کنترل	۳۳٪
۲۰.	نفوذ در سازمان‌های تصمیم ساز و تصمیم گیر	۳۰٪
۲۱.	قطع خطوط مواصلاتی هوایی کشور	۲۷٪
۲۲.	انجام عملیات‌های بیوتروریسم	۲۷٪
۲۳.	توانایی نظامی برای عملیات نیمه گسترده نظامی	۲۳٪
۲۴.	اشغال یا تصرف بخشی از خاک کشور	۲۰٪

جدول ۴: اولویت بندی تهدیدات اجتماعی - فرهنگی عربستان سعودی بعد از تحلیل کمی

اولویت بندی	عنوان تهدید	درصد
۱.	ایران هراسی و شیعه هراسی	۱۰۰٪
۲.	تأثیر گذاری بر گروه‌های قومی و مذهبی داخل کشور	۹۷٪
۳.	تأثیر گذاری بر جریان‌های قومی و مذهبی در جدار مرزها و خارج کشور	۹۰٪
۴.	تأثیر گذاری بر توازن جمعیت ج.ا.ایران (سنی سازی ایران)	۸۷٪
۵.	ترویج و گسترش فرهنگ (نفوذ فرهنگی)	۶۰٪
۶.	سلب انگیزه و ایجاد ناامیدی در کشور	۴۷٪
۷.	تضعیف روحیه خودباوری و القای خودباختگی در داخل کشور	۴۳٪
۸.	میزان جمعیت کشور هدف	۲۳٪



جدول ۵: اولویت بندی تهدیدات اقتصادی عربستان بعد از تحلیل کمی

اولویت بندی	عنوان تهدید	درصد
۱.	تطمیع و تهدید اقتصادی و تجاری طرف‌های اقتصادی ایران	٪۹۳
۲.	استفاده از سلاح انرژی (نفت و گاز) علیه کشور	٪۸۷
۳.	اعمال سیاست‌های مالی و بانکی علیه ایران	٪۷۳
۴.	منابع و منافع مشترک اقتصادی میان کشور هدف و ج.ا.ایران	٪۷۰
۵.	محاصره اقتصادی کشور	٪۶۷
۶.	وضع تعرفه‌های تجاری و گمرکی سنگین	٪۶۰
۷.	قاچاق کالا از مبادی صادراتی و وارداتی کشور هدف (بنادر)	٪۴۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

جدول ۶: اولویت بندی تهدیدات سیاسی - حقوقی عربستان بعد از تحلیل کمی

اولویت بندی	عنوان تهدید	درصد
۱.	هم راستایی با سیاست‌های کلان دشمنان	٪۹۳
۲.	لایبی گری سیاسی و حقوقی در مجامع جهانی علیه ایران	٪۹۳
۳.	منهم سازی سیاسی ایران در مجامع بین‌المللی	٪۸۷
۴.	تاثیر گذاری بازیگران سیاسی فرامنطقه ای بر کشور هدف	٪۸۳
۵.	ائتلاف سازی و اجماع سازی سیاسی جهت مقابله با ایران؛	٪۷۳
۶.	استفاده ابزاری از مجامع حقوقی و تشکل دادن پرونده‌های حقوقی علیه ایران	٪۶۷
۷.	ایدئولوژی سیاسی حکومت	٪۶۷
۸.	محدودسازی حوزه نفوذ و اثر گذاری ج.ا.ایران در منطقه و جهان	٪۶۰
	تعمیق شکاف سیاسی در جهت براندازی	٪۵۰
۱	ساختار سیاسی شکننده کشور هدف	٪۳۳

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

## یافته‌ها

در سالهای اخیر در منطقه خاورمیانه شاهد تحولاتی بوده ایم که نشان از نقش آفرینی مستقیم برخی قدرت‌های با نام و نشان این منطقه دارد. کشورهای ایران و عربستان سعودی به عنوان دورقیب مهم در منطقه خاورمیانه پیوسته سعی دارد تا تحولات منطقه را برای رسیدن به منافع حداکثری خود و پیشی گرفتن از رقیب مدیریت کنند و وقوع انقلاب اسلامی در ایران نقطه عطفی برای هویت یافتن جریانهای شیعی منطقه گردید به دنبال آن سقوط صدام و شکل‌گیری تحولات و جنبشهای آزادی خواهی در جهان عرب روند تحولات را به نفع ایران در خاورمیانه ورق زد دولت عربستان که با بازنده تغییرات جدید بوده و نگران نفوذ ایران در عرصه منطقه ای است بنابراین سعی دارد تا با نقش آفرینی بیشتر در عراق بحرین و سوریه اوضاع منطقه را به نفع خود برگرداند. در مجموع، رخداد‌های مهم ضمن اینکه توازن قوای منطقه‌یی را دستخوش تغییر کرده، روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی به عنوان دو قدرت منطقه‌یی غرب آسیا را از وضعیت «رقابت» به وضعیت «منازعه» سوق داد. و استمرار روند ثابت تقابلی و تنشی و تحولات مربوط به ژئوپلیتیک قدرت در غرب آسیا طی یک دهه گذشته، برجسته شدن تعارض‌های هویتی و برهم خوردن موازنه منطقه‌یی قدرت به نفع ایران سبب غالب شدن وضعیت «منازعه» بر «رقابت» در روابط عربستان با ایران شده است.

از سوی دیگر تغییرات مکرر ژئوپلیتیکی که غرب آسیا طی یک دهه گذشته بر اثر تهاجم امریکا به عراق و سقوط صدام در سال ۲۰۰۳ و وقوع اعتراض‌های ضدحکومتی در جهان عرب و سقوط رژیم‌های دیکتاتوری نزدیک و

همسو با عربستان سعودی شاهد آن بوده است، به تقویت جایگاه، نفوذ و نقش‌آفرینی جمهوری اسلامی ایران در این منطقه و ناکامی‌های مداوم عربستان سعودی به تهران در عراق، سوریه، لبنان، یمن و فلسطین انجامید. همزمان با این تغییرات در محیط ژئوپلیتیکی غرب آسیا، مذاکرات هسته‌یی ایران با ۱+۵ که عربستان سعودی از آن در جهت منافع خود علیه جمهوری اسلامی ایران بهره‌برداری می‌کرد، در حالی منجر به توافق برجام شد که عربستان سعودی از مخالفان این توافق محسوب می‌شود. این رخداد‌های منطقه‌یی به علاوه فاجعه منا در سال ۲۰۱۵ و سپس مرگ شیخ «نمر باقر النمر»، روحانی عربستانی در نهایت سبب قطع روابط دیپلماتیک ریاض با تهران و دگردیسی روابط دوجانبه از «رقابت» به «منازعه» و سپس کشمکش‌های فرسایشی شد. در این چرخه، عربستان سعودی همزمان از اهرم‌های قدرت نرم (شامل دلارهای نفتی، جریان رسانه‌یی، هویت مذهبی) و قدرت نهادی منطقه‌یی خود علیه جمهوری اسلامی ایران و متحدان منطقه‌یی آن بهره گرفته است.

مجموع این تحولات را می‌توان به عنوان دستاورد تحلیلی این مقاله اینگونه لحاظ کرد، که خروج از وضعیت تقابلی مستلزم پذیرش دو طرفه نسبت به رویکردهای قبلی و فعلی و کنار گذاشتن برخی ماموریت‌های منطقه‌ای و اهداف درون ساختاری در منطقه و اقدامات اعتمادزای متقابل است. و گر نه اگر چه امکان رویارویی نظامی گسترده میان دو کشور به دلیل جبر جغرافیایی متصور نیست، اما روند همچنان واگرایانه خواهد بود، که این پدیده هزینه‌های امنیتی منطقه را در دو برد داخلی و خارجی همچنان افزایش خواهد داد.

### نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

عربستان سعودی بدلیل بحران‌های منطقه‌ای و موفقیت ج.ا.ا در ایفای نقش مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی و تاثیر آن برمنافع عربستان سعودی در منطقه و مهمتر از همه شرایط نظام ج.ا.ا در سطح منطقه و جهان باعث شده که رقابت دیرینه خود را با ج.ا.ا در سطح منطقه و جهان به تقابل و ضدیت کامل و آشکار تبدیل نماید ولذا در شرایط کنونی اولویت اول تهدیدات خود را ج.ا.ا قلمداد نموده است ولی بدلیل عدم توانمندی نمی‌تواند در یک جنگ تمام عیار با نظام ج.ا.ا وارد شود. این در حالی است که مطلوب این کشور در شرایط کنونی حمله نظامی و مورد هدف قرار دادن تاسیسات هسته‌ای و موشکی ج.ا.ا از سوی آمریکا و اسرائیل می‌باشد و بنظر می‌رسد که در صورت حمله احتمالی غرب و رژیم صهیونیستی به ج.ا.ا این کشور همکاری‌های لازم را با آنها انجام دهد. بررسی یافته‌های تحقیق و نتایج حاصله از مطالعات کمی، نشان دهنده این موضوع است که سناریوهای زیر در اولویت تهدید کننده است. این سناریوهای ترکیبی از سناریوهای مختلف در حوزه‌های گوناگون است که با توجه به ارزیابی نهایی از انواع تهدیدات حاصل شده است:

سناریوی اول: بکارگیری عناصر ضد انقلاب و معاند علیه نظام در جهت عملیات‌های تروریستی و خرابکاری با هدف بحران‌آفرینی در کشور

سناریوی دوم: تداوم انجام عملیات روانی در جهت ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی با هدف محدود کردن ایران و تاثیر گذاری بر گروه‌های قومی و مذهبی داخل ایران.

سناریوی سوم: ائتلاف سازی نظامی علیه کشور از طریق لابی گری سیاسی و حقوقی در مجامع جهانی علیه ایران. سناریوی چهارم: تداوم فشار اقتصادی علیه ایران از طریق تطمیع و تهدید اقتصادی و تجاری طرف‌های اقتصادی ایران و استفاده از سلاح انرژی (نفت و گاز) علیه کشور

سناریوی پنجم: متقاعد سازی نیروهای فرامنطقه‌ی برای تهاجم نظامی به ویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی  
سناریوی ششم: عملیات نظامی ضربتی و محدود

در نتیجه می‌توان گفت که عربستان سعودی تا پیش از تحولات سال ۲۰۱۱ از ابزارهای قدرت نرم خود یعنی ابزارهای مالی، رسانه‌ها و امتیازهای مذهبی در رقابت با جمهوری اسلامی ایران بهره گرفت اما در عین حال توانمندی دفاعی و نظامی خود را به‌خصوص از طریق روابط دفاعی و نظامی و خرید سلاح‌های مدرن آمریکا تقویت کرده است. عربستان سعودی، پس از تحولات سال ۲۰۱۱ ضمن اینکه از ابزارهای قدرت نرم خود علیه جمهوری اسلامی ایران و متحدان منطقه‌ی آن بهره می‌گیرد، از قدرت نهادی خود و همچنین قدرت سخت علیه متحدان منطقه‌ی جمهوری اسلامی ایران استفاده می‌کند. اما مهم‌ترین ابزارهای سیاست خارجی عربستان در رقابت یا دشمنی با جمهوری اسلامی ایران، استفاده از «دیپلماسی دلار» است. عربستان بزرگ‌ترین صادرکننده نفت در جهان است و درآمدهای هنگفت نفتی دارد. افزایش قیمت نفت از ۲۵ دلار در سال ۲۰۰۰ به بیش از ۱۰۰ دلار در سال ۲۰۱۱ افزایش ذخیره ارزی عربستان سعودی به بیش از ۷۰۰ میلیارد دلار را در پی داشت. عربستان سعودی از این درآمد هنگفت نفتی برای تحقق اهداف سیاست خارجی خود از جمله ساختار پادشاهی در کشورهای عربی و ممانعت از برهم خوردن توازن قدرت منطقه‌ی به نفع جمهوری اسلامی ایران بهره می‌گیرد. عربستان سعودی همزمان با بهره‌گیری از دیپلماسی دلار، از سیاست نفتی نیز برای مقابله با تقویت نفوذ جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا بهره می‌گیرد. در این راستا، عربستان سعودی در جهت کاهش قیمت جهانی نفت برای فشار آوردن بر اقتصاد جمهوری اسلامی ایران و ممانعت از حمایت مالی آن از متحدانش در منطقه اقدام کرده است.

عربستان سعودی همچنین با کارشکنی در سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) از این سازمان در راستای سیاست‌های نفتی خود از جمله علیه جمهوری اسلامی ایران بهره می‌گیرد که کاهش قیمت نفت از بشکه‌ی ۱۰۰ دلار به کمتر ۳۰ دلار در این راستاست. همچنین عربستان سعودی برای تحت فشار قرار دادن متحدان منطقه‌ی جمهوری اسلامی ایران از نهادهای عربی نظیر شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب استفاده می‌کند. تعلیق عضویت سوریه در اتحادیه عرب در سال ۲۰۱۲ با هدف اعمال فشار بر دولت بشار اسد و همچنین قرار دادن حزب الله لبنان به عنوان مهم‌ترین گروهی که مستقیماً تحت حمایت ایران قرار دارد، در فهرست سازمان‌های تروریستی توسط شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب در سال ۲۰۱۶ از جمله موارد بهره‌برداری عربستان از نهادهای عربی علیه جمهوری اسلامی ایران است.

### راهکارهای کلان مقابله ای با تهدیدات عربستان عبارت اند از:

**حوزه نظامی - امنیتی:** نیروهای نظامی و انتظامی کشور با هوشیاری کامل، تحرکات عربستان و نیروهای نیابتی این کشور را مورد واپایش و رصد قرار دهد و اشراف اطلاعاتی کاملی در این حوزه داشته باشند.

**حوزه سیاسی - حقوقی:** مقابله با منزوی سازی و محدودسازی ایران از طریق افزایش تعامل و مشارکت فعال در کلیه سازوکارها و سازمان‌های منطقه ای با استفاده از دیپلماسی دو و چندجانبه در دستور کار دائم قرار گیرد.

**حوزه فرهنگی - اجتماعی:** برای توقف درگیری‌های ایدئولوژیکی و جلوگیری از شکاف مذهبی (شیعی و سنی) در منطقه به خصوص در کشورهای مستعد، تلاش شود.

**حوزه اقتصادی:** با توجه به ظرفیت‌های موجود فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی در سواحل خلیج فارس، به منظور جذب سرمایه و رونق اقتصادی منطقه، نسبت به برنامه‌ریزی برای ایجاد و توسعه منطقه آزاد تجاری و صنعت گردشگری و ایجاد بازار چه‌های مشترک مرز در سواحل و جزایر جنوب کشور اقدام گردد.

### منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱)؛ مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- احمد وند، علی محمد (۱۳۸۷)، مفهوم شناسی تهدید سخت، نیمه سخت و نرم، فصلنامه مطالعات بسیج، شماره ۳۹.
- صادقی‌هادی و همکاران (۱۳۹۴)، تحلیل روابط ایران و عربستان سعودی از منظر نظریه واقع‌گرایی، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا شماره بیست و پنجم.
- طباطبائی فاطمی، حمید رضا (۱۳۹۴)، واکاوری روش‌های بررسی تهدید نظامی با رویکر تطبیق و ارائه الگوی بومی تهدیدات نظامی در ابعاد راهبردی، مرکز تحقیقات راهبرد دفاعی.
- عبدا.. خانی، علی (۱۳۸۲)، نظریه‌های امنیت؛ مقدمه ای بر طرح ریزی دکترین امنیت ملی، تهران، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران ص ۸۴
- عصاریان، حسین و عبدا.. خانی، علی (۱۳۸۵)، تهدید در نظریه‌های امنیت، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال هفتم، شماره ۲۷ ص ۴۵
- مرادیان، محسن؛ جمشیدیان، هادی؛ کرمی، رضا (۱۳۹۰)؛ شاخص‌های امنیت خارجی ج.ا.ایران، فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۳۳ ص ۴۵.
- نورعلی وند، یاسر (۱۳۹۶) "عربستان سعودی و تلاش برای موازنه سازی مجدد در برابر ایران " فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیستم شماره اول بهار.

Beranek, Ondrej (2009), *Divided Us Survive: A Landscape of Fragmentation in Saudi Arabia*, the Crown Center for Middle East Studies

Lacroix, Stephane (2014.), *Saudi Islamists and the Arab Spring*, the London School of Economics and Political Science.p 15.

Hosseini and Ahmadian, Hassan (2012), *Saudi Arabia; from Oil egemoni to Regional Leaderships*, International Foreign Relation Quarterly, Vol.3, Nop 98.

JEFFREY GOLDBERG, *Saudi Crown Prince: Iran's Supreme Leader 'Makes Hitler Look Good'*, APR 2, 2018